



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۳/۱۶

میر عبدالواحد سادات

"معاهده" قطر و بخش محرم آن

راه بسوی صلح؟

یا تکرار تراژیدی دهه نود؟

و قرار گرفتن افغانستان در مسیر آشوب های جدید؟

بخش یکم

تذکر ضروری :

صلح آرمان و نیاز جامعه و خواست برحق مردم و شرط بقای افغانستان است و اشکارا است که صلح با طالبان بحیث گروه مخالف مسلح و متخاصم با دولت و با سوابق جنگ و جنایت انجام میابد .

بدینرو نوشته حاضر با اذعان به این ضرورت بخاطر رفتن به صلح واقعی و پایدار ، بیان تشویش و نگرانی ها مندرج درین " معاهده " است ، که راه را به ترکستان میبرد و در چند بخش بخدمت و در معرض نقد و نظر هموطنان عزیز تقدیم میگردد

در گام نخست باید این موضوع را صراحت بدهم که:

چرا اصطلاح معاهده را بین گیمه گرفته ام؟

به این دلیل ساده که برای من منحیث يك شاگرد حقوق مفهوم و مدلل نگردید که " سند " منعقد در قطر را بتوان بحیث يك سند حقوقی تعریف نمود:

از زمان نوشتن کتاب معروف جنگ و صلح هوگو گرسیوس حقوقدان معروف هالندی در (۱۶۲۵ م) که تا کنون بحیث یکی از مآخذ معتبر حقوق بین المللی پنداشته میشود و تا قرارداد وستفاليا (۱۶۴۷ م) و تا حقوق معاصر بین المللی که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم و ایجاد سازمان ملل متحد و انفاذ منشور ان و میثاقهای بین المللی ناشی از و بویژه کنوانسیون وین (۱۹۶۹ م) امضای همچو " سند " که در مغایرت با تمام نورمهای حقوقی قبول شده جهانی باشد ، سابقه ندارد و انهم از طرف یکی از بنیاد گذاران سازمان ملل متحد و عضو دایمی شورای امنیت ان سازمان که وجایب را در راستای رعایت احکام منشور و میثاقهای بین المللی عهده دار میباشد

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اینکه چرا شورای امنیت سازمان ملل متحد همچو سند را تایید کرد ناشی از برخورد دوگانه آن شورا در قبال دولتها و تعریف دوگانه و برخورد دوگانه با افاده تروریسم میباشد که در تناقض با قطعنامه های شورای امنیت بعد از یازدهم سپتامبر (۲۰۰۱ م) میباشد .

موضوع قواعد آمره حقوق بین الملل از مسائل مهم حقوق بین الملل است که پس از امضای کنوانسیون 1969 وینا مورد توجه و بحث و جدلهای فراوان حقوقدانان واقع گردیده است. ماده 53 میگوید: «هر معاهده ای که در زمان انعقاد ب تعارض با يك قاعده آمره حقوق عام بین الملل باشد، کان لم یکن فرض خواهد شد. بموجب ترتیبات عهدنامه حاضر، قاعده آمره حقوق عام بین الملل قاعدهای است که مورد قبول جامعه بین الملل دولتها مجموعاً واقع گردیده و به عنوان قاعدهای که مطلقاً استثناء پذیر نبوده و تنها بوسیله قاعده دیگر حقوق عام بین الملل که دارای همان ویژگی باشد قابل تغییر است، به رسمیت شناخته شده است .

سندیکه در قطر از طرف نماینده خاص وزارت خارجه دولت امریکا آقای داکتر خلیل زاد با رئیس تیم مذاکراتی طالبان آقای برادر امضا و تبادل گردید ، در نفس خود حاوی تناقضات و ابهامات زیاد است که شک و تردید های زیاد را در مورد قرار گرفتن افغانستان بطرف صلح ایجاد کرده است .

شکی وجود ندارد که این سند در راستای منافع ملی امریکا و به منظور تقرب و تجدید روابط و " دوستی " امریکا با طالبان شکل یافته و برای هر دو طرف آقای تیم آقای ترامپ و رهبری طالبان موثریت خاص دارد .
عمده ترین خطر ناشی از این سند :

بخش توافق مکتوم و محرم ان است که در هفته قبل در مجلس نمایندگان امریکا از طرف بیست عضو ان مجلی مطرح و آقای پامپئو وزیر خارجه امریکا نیز در مصاحبه با یکی از تلویزیون های انگلشور به صورت ضمنی بدان اعتراف نمود .

گفته میشود که بخش محرم منجمله شامل توافق دو طرف بخاطر حضور قطعات خاص نظامی و استخبارات امریکا میباشد .

البته ما بیاد داریم و در کتابها خوانده ایم که همزمان با عقد موافقت نامه ژینو (ماه می ۱۹۸۸ م) فی مابین دولت های پاکستان و افغانستان ، وزرای خارجه امریکا و اتحادشوری که تضمین کنندگان این موافقتنامه بودند ، در اطاق دیگر و مخفیانه توافق نامه تناظر مثبت (سمیتری مثبت) را بین خود امضا نمودند و زمانیکه بعد از کودتای ناکام (اگست ۱۹۹۱ م) در اتحادشوری مجدد سمیتری منفی (تناظر منفی) را در سپتامبر همانسال امضا و ارسال سلاح و مهمات را بجانب دولت افغانستان قطع نمودند ، که از همان تاریخ شمارش معکوس عمر دولت وقت آغاز یافت ، در دسامبر (۱۹۹۱ م) آقای ربانی را به مسکو دعوت و کلید ارگ را برایش تسلیم نمودند و به تعقیب ان شروع بغاوت ها و جنجال ها و سر انجام سقوط دولت که عواقب دهشتبار انرا شاهد بودیم .

ادامه دارد